



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

**عنوان:**

**بازنمایی تحول مفهوم غرب در گفتمان سیاسی  
ایران بعد از انقلاب**

**استاد راهنما:**

دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی

**استاد مشاور:**

دکتر شجاع احمدوند

**دانشجو:**

شیرین هاشمیان

شهریور ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سپاس و قدردانی

بدون شک این پایان نامه اگر حاوی نکات در خور و ارزنده ای است مدیون راهنمایی استاد گرانقدر دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی که با صبر و زحمات بی شائبه ی خود نه فقط در نگارش این پایان نامه که در تمامی مراحل تحصیلم در دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی خود را وامدار وی می دانم. همچنین از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر شجاع احمدوند صمیمانه تشکر می نمایم که زحمت مشاوره این رساله را پذیرفته و با راهنمایی های ارزنده خود بر قوت و غنای آن افزودند.

تحصیل دوره ی کارشناسی ارشد علوم سیاسی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، فرصت ارزشمندی در اختیار اینجانب قرار داد فرصت بهره گیری از محضر اساتید ارجمند همچون جناب آقای دکتر ابراهیم برزگر، دکتر علومی، دکتر افشین زرگر، و دیگر اساتید محترم گروه علوم سیاسی که افتخار شاگردی در حضور آنان را داشته، بدین وسیله مراتب تقدیر و تشکر خود را از آنان تقدیم می دارم. از جناب آقای دکتر سید مهدی رفیعی مدیر سابق گروه و نیز از دیگر مسئولین محترم و دست اندرکاران اجرایی دانشکده و گروه، قدردانی میکنم.

در اینجا فرصت را غنیمت شمرده از مدیر محترم تحصیلات تکمیلی سرکار خانم کلهرودی صمیمانه سپاسگذاری کنم.

در پایان بر خود فرض می دانم از مادر فداکارم که با وجود بیماری همواره در امر تحصیل مشوق

اینجانب بوده اند و مرا تحمل نموده اند تشکر و قدردانی نما

چکیده:

غرب همواره عنوان آن دیگر هویت اسلامی و ایرانی که بیشتر با بروز و ظهور اسلام سیاسی مطرح شده است. قدر مسلم است که هر ایرانی برای شناخت هویت خود ناچار شناخت آن دیگری (غرب) نیز می باشد. بنابراین این پایان نامه می کوشد با ذکر مقدماتی از ادوار تاریخی هر دوره با انتخاب متون خاصی از اندیشمندان هر دوره به بازنمایی مفهوم غرب پردازد یعنی با انتخاب یک متن برگزیده و تحلیل گفتمان آن متون سعی دارد مفاهیم مختلف این مفهوم را بازنمایی کند. لذا با دسته بندی سه دوره قبل از انقلاب، دوره ی پس از انقلاب (دوره جنگ) و دوره ی موسوم به اصلاحات به مخاطب نشان می دهد اولاً در هر دورانی غرب با چه مفاهیمی بازنمایی شده است و ثانیاً سیر تحولات و تطورات مفهومی آن دیگری (other) را با ذکر عواملی بر شمرده و به توضیح و تفسیر این تطورات معنایی می پردازد....

کلید واژه ها: گفتمان (discourse)

## فهرست مطالب

۱. بیان مسئله ..... ۱
۲. سوال پژوهش ..... ۲
۳. فرضیه پژوهش ..... ۲
۴. تعریف مفاهیم ..... ۲
- ۴.۱. گفتمان ..... ۲
۵. سابقه پژوهش ..... ۳
۶. اهداف و ضرورت پژوهش ..... ۵
۷. روش پژوهش ..... ۶
۸. مسائل و مشکلات پژوهش ..... ۸
۹. سامان پژوهش ..... ۸

## فصل اول: چهارچوب مفهومی: نظریه ی گفتمان

- ۱.۱. گفتمان ..... ۱۱
- ۱.۱.۱. گفتمان- زبان ..... ۱۳
- ۱.۱.۲. نظریه های گفتمان ..... ۱۵
- ۱.۱.۳. نظریه گفتمان لاکلا و موفه ..... ۱۶
- ۱.۱.۴. نظریه گفتمان فوکو ..... ۱۸
- ۱.۱.۵. تحلیل انتقادی گفتمان ..... ۲۲

## فصل دوم: دوره قبل از انقلاب: غرب نماد استعمارگری

۱. ۲. ۱. گفتمان استعمار ستیزی ..... ۲۸
۱. ۱. ۲. تشدید استعمار ستیزی ..... ۳۲
۲. ۲. گفتمان بد گمان به غرب ..... ۳۳
۲. ۳. مدرنیزاسیون برنامه غرب محور ..... ۳۴
۲. ۴. ظهور گفتمان مقاومت ..... ۳۵
۲. ۵. گفتمان غرب زدگی ..... ۳۸
۲. ۶. گفتمان بازگشت به خویشتن ..... ۴۷

## فصل سوم: دوره بعد از انقلاب: غرب به مثابه شیطان بزرگ

۳. ۱. اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان ..... ۶۴
۳. ۲. جنگ تحمیلی عراق برضد ایران ..... ۸۲
۳. ۳. مفهوم بندی گفتمان تقابل با غرب ..... ۹۱

## فصل چهارم: دوره اصلاحات: غرب مظهر توسعه و دموکراسی

۴. ۱. سروش و غرب شناسی ..... ۱۰۶
۴. ۲. گفتمان گفتگوی تمدن ها ..... ۱۱۱
۴. ۳. غرب و گفتمان گفتگوی تمدن ها ..... ۱۱۵

## فصل پنجم: تفسیر یافته ها

- ۵.۱. چرخش های مفهومی غرب ..... ۱۳۳
- ۵.۱.۱. شرایط عینی و اجتماعی ..... ۱۳۴
- ۵.۱.۲. دگرگونی در جهت گیری سیاست خارجی ..... ۱۳۶
- ۵.۱.۳. چرخش سیاست داخلی و خارجی از اصول گرایی به پراگماتیسم ..... ۱۴۰
- منابع و مأخذ ..... ۱۴۷

## ۱. بیان مسئله

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرخوردگی نیروهای ملی گرا، مفاهیم حاصله از لیبرالیسم ملی گرا و سکولاریسم، گیرایی خود را تا حد زیادی برای روشنفکران و فعالان سیاسی از دست داد. ترکیب سرکوب دولتی، رشد جناح های تندرو در بین علما و خطاهای تاکتیکی و عدم سازماندهی گروه های سکولار، فضای مناسبی را برای ظهور ایدئولوژی انقلابی (اسلام سیاسی)، فراهم کرد. در شرایط پس از کودتا و زیر فشار سنگین دولتی اقتدار گرا، فضای جدید سیاسی برای ابراز مخالفت در مساجد، مدارس علمیه و سایر کانون های علمی شکل گرفت. این تغییر مکانی در حوزه فعالیت سیاسی، موجب غیر سکولار شدن سیاست و ظهور گفتمان اسلام سیاسی گردید. اسلام سیاسی در بادی امر به منزله هویت جمعی در برابر هویت متکی بر غربی شدن مطرح شده است. این رویکرد غرب را هویتی خارجی در تقابل با سنت مذهبی می پندارد. بدین سان جمهوری اسلامی به منزله ی نظام برآمده از گفتمان اسلام سیاسی، همواره در تعارض و ستیز با غرب بوده است. به این معنا غرب به منزله ی *other* یا «آن دیگر» هویت اسلامی، مفهوم مهمی است که از طریق آن می توان چرخش های مفهومی اسلام سیاسی طی نیم قرن اخیر را مطالعه کرد. برای شناسایی استعداد های مفهومی اسلام سیاسی می توان از طریق مطالعه دال های اسلام سیاسی یا بررسی دال های رقیب یا *other* (آن دیگر) اسلام سیاسی عمل کرد. در ایران دال های اسلام سیاسی مورد مطالعه قرار گرفته، اما دال های مفهومی غرب کمتر مورد بررسی واقع شده است، لذا این پایان نامه می کوشد تا بخشی از این خلأ را مرتفع سازد. با این کار می توان هم چرخش های مفهومی غرب را درست تعریف کرد و هم می توان چگونگی پوییش ها، شقوق و شکاف های اسلام سیاسی در مواجهه با غرب را مورد بحث قرار داد.



## ۲. سوال پژوهش

۱- مفهوم غرب در سه دوره ی قبل و بعد از انقلاب اسلامی دوره دوم خرداد یا دوره موسوم به اصلاحات با چه مفاهیمی بازنمایی شده است؟

## ۳. فرضیه پژوهش

۱- مفهوم غرب در دوره قبل از انقلاب در قالب مفهوم "استعمارگری"، در دوره پس از انقلاب در هیات مفهوم "شیطان بزرگ" و در دوره اصلاحات در پرتو مفهوم توسعه و دموکراسی بازنمایی شده است.

## ۴. تعریف مفاهیم

### ۴.۱. گفتمان

ریشه مفهوم گفتمان (discourse) را می توان در فعل یونانی *discurrere*، به معنی حرکت سریع در جهات مختلف (=dis) در جهات مختلف؛ *currere* به معنای دویدن یا سریع حرکت کردن) یافت.<sup>۱</sup> گفتمان عموماً معادل امروزی واژه ی صحبت و گفتگو یا معنایی در مقابل واژه ی خشونت به کار گرفته شده است. معنای تخصصی این واژه با معنای متعارف آن فاصله دارد. در معنای آکادمیک آن، متخصصان فراوانی به تعریف آن از زوایای گوناگون پرداخته اند. به طور عام کاربرد، متن، گفتار، تعاملات و ارتباطات کلامی تحت عنوان گفتمان مورد بررسی قرار می گیرند در این نوشته، واژه گفتمان به گونه ای مترادف و هم معنا با واژگان سخن، نظم گفتار، متن، زبان، کنش گفتار و کردار گفتاری به کاررفته است. در این پژوهش منظور اصلی از گفتمان به شیوه ای از گفتار

---

<sup>۱</sup> . حمید عضدانلو، درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره ی گفتمان، مجله سیاسی- اقتصادی، سال دهم، شماره

ی هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵، ص ۴۸.

باز می‌گردد که از زاویه دیدی خاص به تجربیات ما معنا می‌دهد گفتمان در خلأ تولید نمی‌گردد، بلکه در فضایی از باورها و معانی نظامند و در بستر و در درون یک جامعه به وجود می‌آید.

## ۵. سابقه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره غرب در ایران صورت پذیرفته است. بررسی این آثار نشانگر این واقعیت است که این آثار اغلب مبتنی بر مباحث نظری از سوی روشنفکران دینی و روشنفکران سکولار است. کتاب روشنفکران دینی و مدرنیته در ایران پس از انقلاب، اثر مسعود پدram رویارویی روشنفکران دینی ایران با مدرنیته را به تصویر می‌کشد. این کتاب رویکردهای متفاوتی از مدرنیته را ارائه داده است. وی این رویکردها را در سه دسته نفی، اثبات و نقد مدرنیته تقسیم بندی کرده است. در جهت توضیح این رویکرد او به نظریات متفکرانی چون رضا داوری، عبدالکریم سروش و علی شریعتی پرداخته و سعی دارد تا نسبت این نظریه پردازان را با مدرنیته بررسی کند. به رغم آنکه این پژوهش جنبه‌هایی از اندیشه‌های مدرن را مطرح می‌کند که در ایجاد بنای اندیشه‌ی دینی سهم دارد، اما نمی‌تواند راهگشای مباحث مرتبط با غرب و مفاهیم بازنمایی شده در پژوهش ما باشد. از دیگر آثار برگزیده در این طیف میتوان به کتاب، درباره‌ی غرب رضا داوری، روشنفکران ایرانی و غرب اثر مهرزاد بروجردی، روشنفکران دینی ایرانی و غرب اثر محمد باقر خرمشاد و نیز کتاب روشنفکران ایرانی و غرب شناسی اثر خیام عباسی اشاره کرد. کاری که داوری در این کتاب انجام داده است بازنمایی غرب است به مصداق دگربودی در برابر ایرانیان. داوری غرب را به عنوان یک کلیت و تمامیت می‌بیند و نقد خود را متوجه کسانی می‌کند که حساب علم و تکنیک و ادب غرب را از قهر و سیاست استکباری و فساد و فحشا جدا می‌کنند. به طور کلی این کتاب نظریه‌ی اجتماعی و سیاسی داوری است درباره‌ی غرب. کتاب روشنفکران ایرانی و غرب اثر مهرزاد بروجردی نیز در چهارچوب نظریات متفکرانی چون علی شریعتی، جلال آل احمد، و... درباره‌ی غرب مطرح است.

از دیگر آثاری که در زمینه ی غرب چاپ شده می توان از کتب زیر نام برد : تجدد شناسی و غرب شناسی (حقیقت های متضاد) اثر حسین کچوییان، حدیث ما و غرب اثر محسن متقی. کتاب اسلام و غرب: از درگیری به گفتگو (حکایت غربشناسی) اصغر دابه ، غربشناسی از دیدگاهی دیگر اثر شاپور رواسانی، ساخت مفهوم غرب در روابط بین الملل اثر حسینی اسفید واجانی ، ، تبار شناسی غرب گرای ایرانی، غرب شناسی کارنامه منابع پیرامون غرب . هیچ کدام از آثار معرفی شده به بازنمایی مفهوم غرب و تطورات آن اشاره ای نداشته اند و علی رغم مباحث ارزنده این منابع، نمی توانند دستمایه ی پژوهشی مبتنی بر باخوانی مفهوم غرب در گفتار سیاسی باشند. البته در این میان آثاری نیز وجود دارند که قرابت نزدیکی به کار ما دارند مثلا کتاب: زبان ، گفتمان و سیاست خارجی دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی اثر مجید ادیب زاده، تمایزات در خوری با تحقیقات فوق الذکر دارد. این اثر به تبار شناسی شیوه های بازنمایی تصویر غرب در لابلای جهان نمادین متن ها و گفتمان های ایرانی نیم قرن اخیر می پردازد. اثر مذکور این واقعیت را نشان می دهد که گفتمان سیاست خارجی ایران ریشه های عمیقی در این جهان نمادین دارد. نویسنده کتاب به بررسی سیر تاریخی تصویر پردازی غرب در گفتمان های قبل و بعد از انقلاب می پردازد. اما تفاوت پژوهش حاضر با این اثر در این است که نویسنده ی آن به تبار شناسی ظهور گفتمان در سیاست خارجی پرداخته است. اما پژوهش حاضر ضمن بازنمایی مفهوم غرب در دوره ی تاریخی دست به مقایسه میان ادوار مختلف زده و سیر تطور و چرخش های مفهومی غرب را نشان داده است.

#### ۶. اهداف و ضرورت پژوهش

غرب از زمانی که در قالب یک هویت مطرح شد در برابر هویت ایرانی- اسلامی ما به عنوان یک غیر هویتی تعریف شد. بنا براین یک فرد مسلمان برای اینکه هویت خود را بیش از پیش برجسته کند ناگزیر از توضیح غیرش (آن دیگری) است. در دوره های مختلف متفکرین و اندیشمندان ما چه در

دوره ی قبل از انقلاب و دوره ی بعد از انقلاب و در دوره ی جدیدتر که موسوم به دوره اصلاحات است، از غرب بازنمایی های مختلفی شده است. دوره ی اول دوره ای بود که غرب بیشتر نماد کشور گشایی و استعمار بود. اثار جلال آل احمد و شریعتی این وجه را بازنمایی می کنند. این ذهنیت به دوره ی بعد از انقلاب منعکس شد و لذا غرب را به عنوان پلیدترین مفهومی که در اندیشه اسلامی وجود دارد و آن شیطان بود بازنمایی می کرد. و لذا امام خمینی غرب را به عنوان بزرگترین شیطان (شیطان بزرگ) از آن یاد می کند. تا اینکه در دهه ی دوم انقلاب موجی از سیاست مداران و روشنفکران ما که به نوعی هم در فرهنگ غرب زندگی کرده بودند و هم با فرهنگ اسلامی کم و بیش آشنایی داشتند احساس کردند اندیشه ی غربی در دنیای امروز نمادی از پیشرفت، توسعه، دموکراسی، مدرن سازی را به ارمغان آورده است. بنابراین گفتند غرب آنچنان هم شیطانی و اهریمنی نیست. پس بهتر است که ما غربی را که ما امروزه مظهر توسعه، رشد، پیشرفت و دموکراسی می دانیم، حداقل این موجود شایسته این است که ما با آن گفتگو کنیم و لذا در دوره ی اصلاحات رویکردی در ایران آغاز شد با عنوان گفتگوی تمدن ها. بنابراین چون در ایران امروزی، ما بعد از انقلاب اسلامی در یک فرایند غیریت ساز، مهم ترین غیر خود را در غرب تعریف کردیم لذا برای شناخت بیشتر هویت خود لازم است هویت غیر خود (آن دیگری) را هم بشناسیم بنابراین ضرورت شناخت آن دیگری از اساسی ترین ضروریاتی است که این پژوهش به دنبال آن است. و تلاش می کند آن دیگری را برای متفکرین، مراکز سیاستمداری، و دانشگاهی ابعادش را باز کند و این مطالعه را داشته باشد.

## ۰۷. روش پژوهش

روش تحلیل در این پایان نامه، بر مبنای روش تحلیل انتقادی گفتمان قرار گرفته است و عموماً مطالعات زبانشناختی را مبنای خود قرار داده است. در این روش، گفتمان در معنای ساختارهای

زبانی فراتر از جمله بوده و ساختار جمله تحت تاثیر عواملی چون فعل و فاعل و مفعول و قید و ... درک می گردند. اهمیت این زبان شناسان آن است که عموماً با گفتار و زبان در موقعیت استفاده سروکار دارند و ساختارهای زبان کاربردی را جانشین ساختارهای گرامری ساخته اند که به صورت ایده آلی زبان راجع می شود.

از برجسته ترین زبان شناسان نقاد می توان به فرکلاف و وان دایک اشاره داشت . فرکلاف در عین وفاداری به مبانی تعریف فوکو از گفتمان، گفتمان را صرفاً بازتاب دهنده ی رابطه ی قدرت بیرون از آن ندانسته و برای آن وجهی تاسیس کننده قائل است. و آن را عرصه ی ظهور و بازتولید قدرت و در عین حال نقد و مقاومت در مقابل آن میدانند. اهمیت فرکلاف در مطالعات گفتمانی فراتر بردن متن از سطح صرف زبانشناختی و برقراری نسبتی است روشمند میان متن و زمینه ی اجتماعی آن.<sup>۱</sup>

او بر این باور است که قدرت در زبان به فضای تحقق رابطه قدرت وابسته است و قدرت پشت زبان را نیز در کردارها، فضاهای کالبدی، نشانه ها ، اطوار و ... صاحب قدرت می یابد. بر این مبنا و جهت تمایز با گفتمان می توان بر این نکته اشاره داشت که تحلیل انتقادی گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است و در این صورت نمی تواند منحصر به توصیف مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورتها برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده اند.<sup>۲</sup>

در این روش که در مقابل تحلیل متن قرار می گیرد، گفتمان ها در مقام علامات و نشانه ها در پی گزینش اهداف و ارزش گذارها بر می آیند. این ویژگی است که آن را غیر قابل تقلیل به زبان و گفتار می نماید. در این راستا تحلیل گفتمان چگونگی تبلور و شکل گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (قرینه ی متن) واحدهای زبانی ، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون زبانی زمینه ی اجتماعی ، فرهنگی و موقعیتی بررسی

---

<sup>۱</sup> .محمد جواد غلامرضا کاشی، جادوی گفتار، تهران: موسسه ی فرهنگی آینده پویان، ۱۳۷۹، ص ۷۱.

<sup>۲</sup> . نورمن فرکلاف، تحلیل انتقادی گفتمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۹، ص ۹.

می‌کند.<sup>۱</sup> دیدگاه فرمالیستی زلیک هریس از ساختار جمله را نیز می‌توان یکی از این رویکردها دانست که در آن به رابطه‌ی جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن می‌اندیشد و در گام دوم سعی دارد رابطه‌ی بین اطلاعات زبانی و غیر زبانی و اجتماع و فرهنگ را مدنظر قرار دهد. مدل تحلی فرکلاف شامل سه مرحله‌ی توصیف تفسیر و تبیین بوده است. در مرحله‌ی توصیف، تحلیلگر انتقادی متن بلحاظ ویژگی‌های صوری بر اساس ۳ مولفه‌ی مضمون، روابط و هویت مورد مطالعه قرار می‌دهد. در هریک از این سطوح سئوالاتی حول همان ۳ وجه کنترلی مطرح می‌شوند واژگان یا ساختارهای نحوی و ساختار متن حاوی چه دلالاتی جهت کنترل بر حسب مضامین روابط و هویت‌ها می‌باشند. ویژگی‌های دال بر مضامین ارزش‌های تجربی خواننده می‌شوند و نوعی بازتاب دهنده‌ی دانش و عقاید در متن می‌باشند. ویژگی‌های دال بر روابط نیز ارزش‌های رابطی خواننده می‌شوند. واژگان یا ساختارهای نحوی و ساختار متنی بازتاب‌کننده‌ی چه الگویی از روابط اجتماعی است یا متن ابزار چه نحو روابط اجتماعی است. ویژگی‌های دال بر هویت فاعلان ارزش‌های بیانی خواننده می‌شوند که حکایت از ارزش‌گذاریهایی دارد که مولف به فاعلان نسبت می‌دهد. فی الواقع در این سطح با هویت‌های اجتماعی ساخته شده توسط مولف سروکار داریم. الگوی برگزیده‌ی این پژوهش حول سه محور در جریان است: غرب چیست؟ رابطه‌ی ما و آنان چیست؟ چه الگوی ارتباطی با غرب می‌توان برقرار کرد؟

#### **۸. مسائل و مشکلات پژوهش**

هر محقق در تدوین پژوهش با مشکلات چندی مواجه است. از جمله جدی‌ترین مشکلات بر سر راه این تحقیق، مسئله‌ی عدم دسترسی به مراجع و منابع است. اینکه در باره‌ی موضوع غرب اغلب منابع به صورت انگلیسی است. و عدم آشنایی به زبان انگلیسی دسترسی به منابع را با مشکل مواجه می‌سازد. از دیگر موانع این است که در ایران نگاه واحدی به تحلیل گفتمان وجود ندارد و

---

<sup>۱</sup> همان منبع، ص ۹.

هنوز این درک در فضای آکادمیک ما خیلی تبیین نشده است. از دیگر تنگناهای موجود می توان به وضعیت خاص نگارنده با توجه به حضور در شهرستان و عدم دسترسی به کتابخانه های غنی ، مسافرت های مکرر و طولانی بین شهرستان و تهران، و همچنین سرعت پایین اینترنت و عدم امکان دانلود منابع خوبی که در زمینه ی پژوهش وجود داشتند و محدودیت زمانی برای تحقیق و تفحص بیشتر می توان اشاره کرد.

## **۹. ساماندهی پژوهش**

این پژوهش مشتمل بر یک مقدمه ، پنج فصل و نتیجه گیری است. در مقدمه، بیان مسئله، سوال و فرضیه پژوهش، تعریف مفاهیم، سابقه، اهداف و ضرورت پژوهش، روش پژوهش، همچنین مسائل و تنگناها و ساماندهی پژوهش مطرح خواهد شد. این بخش به خواننده کمک می کند تا بتواند از ابتدا با مباحث مطروحه در کل فصول و روند پژوهش آشنا شود.

فصل اول، با عنوان «چارچوب مفهومی: نظریه گفتمان» به توضیح گفتمان می پردازد. در این فصل به نظریه پردازان گفتمان، لاکلاو موفه و میشل فوکو پرداخته خواهد شد.

فصل دوم، با عنوان «دوره قبل از انقلاب: غرب نماد استعمارگری» سعی می کند با استناد به منابعی چون آثار دکتر شریعتی و جلال آل احمد (غرب زدگی) آن نگاهی که غرب را مظهر استعمار در ایران مطرح می کند تا حدود زیادی ابعادش را برای خواننده بازنمایی کند.

فصل سوم، با عنوان «دوره بعد از انقلاب: غرب به مثابه شیطان بزرگ» نیز سعی دارد با استناد بر سخنرانی های امام خمینی، نگاهی که غرب را مظهر شیطان بزرگ در ایران بازنمایی می کند را تا حدودی ابعادش را ترسیم کند.

فصل چهارم، با عنوان «دوره اصلاحات: غرب مظهر توسعه و دموکراسی» سعی می کند با استناد به منابعی چون سخنرانی سید محمد خاتمی آن نگاهی که غرب را مظهر توسعه و دموکراسی در ایران مطرح می کند تا حدودی ابعادش را برجسته کند.

فصل پنجم. با عنوان «تفسیر یافته ها» می کوشد چرخش های مفهومی غرب را با ارائه ی  
محورهایی مورد بررسی و بازبینی قرار دهد و زمینه را برای تفسیر آماده سازد. در نهایت نتیجه  
گیری ارائه شده است.



## فصل اول

چهارچوب مفهومی: نظریه گفتمان

به گواه منابع متعدد، سابقه ی این واژه به قرن ۱۴ میلادی از واژه ی فرانسوی [dis- koor] discourse و لاتین discourse-us به معنی گفتگو، گفتار، و از واژه ی discurre/discursum/ به معنی طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل ورزیدن و ... باز می گردد. فرهنگ انگلیسی آکسفورد، ذیل مدخل دیسکورس معانی و تعاریف کاربردی متعددی از آنواژه به دست داده و البته ترتیب تاریخی کاربرد این واژه توسط نویسندگان، اشخاص و جریانات مختلف را نیز مورد اشاره قرار داده است.<sup>۱</sup>

واژه ی گفتمان از جمله مفاهیم مهمی است که در تفکر فلسفی، اجتماعی، سیاسی غرب خصوصاً در نیمه دوم قرن ۲۰ اهمیت بسزایی یافته است. گفتمان در نظریه های معاصر و رشته های مختلف هنر و علوم اجتماعی به صورت یکی از پیچیده ترین و بحث برانگیز ترین مقولات درآمده است، به طوریکه معنا و مفهوم واحد و مورد اجماعی از آن وجود ندارد. به همین دلیل ارائه تعریفی واحد، مورد اجماع، روشن و صریح از آن بسیار دشوار است. هنوز نظریه پردازان علوم اجتماعی و علوم انسانی نتوانسته اند برای ارائه تعریفی مشترک و تعیین چهارچوب های دقیق و منطقی به توافق برسند و همچنان بحث و جدل و اختلاف نظر در این خصوص وجود دارد. میشل فوکو در این خصوص می گوید: «به جای فروکاستن این واژه باید به معنای آن اضافه کرد. من آن را گاهی حیطه ی کلی همه ی گزاره ها یا احکام تلقی کرده ام، گاهی به عنوان مجموعه ی قابل تمایزی از احکام و گاهی به مثابه رویه ی ضابطه مندی که شماری از احکام را توضیح می دهد.»<sup>۲</sup>

این واژه حتی در حوزه آکادمیک و تخصصی نیز معنای واحدی ندارد. بیشتر نظریه پردازان هنگام استفاده از آن مشخص نمی کنند که چه معنی از آن را مدنظر دارند. آنچه لازم است این

<sup>۱</sup>. دایان مک دانل، مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، ترجمه ی حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان، ،

۱۳۸۰ ص ۱۰.

<sup>۲</sup>. سارا میلز، گفتمان، ترجمه ی فتاح محمدی، چاپ دوم، زنجان: هزاره سوم، ۱۳۸۸، ص ۱۳.

است که بتوانیم تشخیص دهیم که واژه ی گفتمان در چه بافتی به کار رفته چه معنایی به خود گرفته است. فرهنگ لانگمن، گفتمان را به مثابه واحد های زبانی بالاتر از جمله در نظر می گیرد که هم محتوا و فحوای زبانی آن ها و هم زمینه و بافت اجتماعی زبانی، مد نظر باشد. زیگ هریس به عنوان اولین شخصی که واژه ی تحلیل گفتمان را وارد حوزه ی زبان شناسی کرد، آن را به همین معنا می گردد.<sup>۱</sup>

به باور تحلیلگران گفتمانی، گفتمان بیانگرویزگی ها و خصوصیات تاریخی چیزهای گفته شده و چیزهایی است که ناگفته باقی می ماند. توجه به این نکته ضروری است که در درون گفتمان های متفاوت، جهان به صورت های متفاوت درک می شود. گفتمان ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می تواند گفته یا درباره اش فکر شود، بلکه درباره ی این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می تواند صحبت کند. از طرف دیگر گفتمان پنهان و ناآگاه است.<sup>۲</sup>

گفتمان سازنده ی معنا و ارتباطات اجتماعی – سیاسی (قدرت) و شکل دهنده ی ذهنیت است و جریان و بستری است که دارای زمینه های اجتماعی است. مک دانل بر آن است که اظهارات، مطالب بیان شده، گزاره ها و قضایای مفروض و .. کی، کجا، چگونه، توسط چه کسی، له یا علیه چه چیزی یا چه کسی گفته شده اند شکل، نوع و محتوای هرگفتمان به شمار می روند.<sup>۳</sup>

تیم دانت، گفتمان را محتوای مادی اظهاراتی دانسته که در یک چهارچوب اجتماعی بین افراد مبادله می شود که قصد گویندگان بحث ها، این اظهارات را تحت تاثیر خود قرار می دهد و دیگر افرادی که در این امر مشارکت دارند، با آن به عنوان چیز معنا دار برخورد می کنند. به اعتقاد وی

---

<sup>۱</sup> . همان، مک دانل ص ۱۳.

<sup>۲</sup> . حمید عضدانلو، درآمدی بر گفتمان یا گفتمانی درباره ی گفتمان ، مجله ی سیاسی اقتصادی ، سال دهم، شماره ی هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵ ص ۴۸.

<sup>۳</sup> . مک دانل، پیشین ص ۱۳.

گفتمان، آمیزه‌ی ساده و یک پارچه‌ی واژگان نیست، زیرا روابط بین الادهانی نیز در آن دخیلند.<sup>۱</sup> می‌توان گفتمان را نظم نمادینی دید که امکانات تفکر را برای افراد قلمرو خود تعیین می‌کند ولی گفتمان‌های مختلف از نظم یگانه‌ای برخوردار نیستند. با توجه به این مباحث می‌توان گفت که گفتمان هم صورتی خاص از کاربرد زبان است و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی. به بیانی دیگر، گفتمان یک رویداد ارتباطی در یک موقعیت اجتماعی است.<sup>۲</sup>

به نظر بنویسته، گفتمان به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آن‌ها را با ارجاع به متکلم و وضعیت یا موقعیت مکانی - زمانی وی با ارجاع به متغیرهای دیگری بیان کرد که در مشخص ساختن بسترهای بافت موضعی پاره‌گفتار به کار می‌روند.<sup>۳</sup>

گستره‌ی عظیمی از عقاید بر پذیرش این باور اتقان دارند که گفتمان فراتر از زبان در کاربرد *language in use* است. گفتمان کاربرد زبان است در ارتباط با اشکال اجتماعی، سیاسی و فرهنگی. یعنی «زبان در مقام انعکاس دهنده‌ی نظم اجتماعی و شکل دهنده‌ی نظم اجتماعی و نیز شکل دهنده‌ی تعامل افراد با اجتماع زبانی که نظم اجتماعی را منعکس می‌کند و نیز زبانی که نظم اجتماعی و تعامل افراد با یکدیگر را شکل می‌دهد.

بنا به تعریف پیشین می‌توان گفت که گفتمان هم صورتی خاص از کاربرد زبان بوده و هم نیز صورتی خاص از تعامل اجتماعی را در بر می‌گیرد. به تعریفی دیگر، گفتمان یک رویداد ارتباطی کامل در یک موقعیت اجتماعی است.

---

<sup>۱</sup>. جمیله کدیور، *تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران*، تهران: نشر طرح نو، ۱۳۷۹، ص ۲۹.

<sup>۲</sup>. ون دایک، پیشین ص ۲۸۳.

<sup>۳</sup>. کریستوفر نریس، *گفتمان*، ترجمه‌ی حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۷، ص ۱۹.